

بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت (مبانی، اصول، اهداف، محتوا، روش)

دکتر فاطمه زیباکلام مفرد

عضو هیات علمی دانشگاه تهران

سمیرا حیدری

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران

چکیده

تاریخ دریافت ۱۳۸۶/۸/۲۰ - تاریخ تایید ۱۳۸۷/۸/۲۰

مبانی، اصول، اهداف، محتوا و روش‌های تعلیم و تربیت، همواره از مهم‌ترین مسایلی بوده است که در عرصه علوم تربیتی مورد توجه قرار گرفته است. درباره این ابعاد از تعلیم و تربیت، میان صاحب‌نظران و مریبان بزرگ توافق نبوده است. در میان اندیشمندان اسلامی، ابن سینا به عنوان فیلسوف مکتب مشاء نه تنها دارای آرای مستقیمی در این موارد است، بلکه به نظر می‌رسد که با توجه به متون گوناگونی که از این اندیشمند در دسترس است، بتوان به دلالت‌هایی که بتواند برای پژوهشگران و علاقه‌مندان مفید واقع شوند دست یافت. به امید آن که این تحقیق بتواند بایی نو برای پژوهش و اندیشه‌ورزی در مورد این فیلسوف و مربی گران قدر بگشاید.

کلیدواژه‌ها: ابن سینا، تعلیم و تربیت، مبانی تعلیم و تربیت، اصول تعلیم و تربیت، اهداف تعلیم و تربیت، محتوای تعلیم و تربیت و روش‌های تعلیم و تربیت.

پرتال جامع علوم انسانی

گرایش عقلی به تعلیم و تربیت در اندیشه‌های ابن‌سینا

عقل‌گرایان تربیتی همچون فارابی، اخوان الصفا و ابن‌سینا تلاش کرده اند که هدف نهایی تعلیم و تربیت را به دین پیوند دهند، ولی آن چه بر آن تاکید دارند، تنها اقرار از سرقطع و یقین به وجود خداوند نیست، بلکه تربیت مردم نیز هست، تا بدانند که خداوند چگونه علت پدیده‌هاست و آن‌ها را آفریده است. به بیان دیگر، این گروه از اندیشمندان می‌خواهند ایمان را با مضمونی عقلانی همراه کنند. در واقع، آنان بین دانش و دین تناقضی نمی‌بینند، زیرا آن چه در دین توسط پیامبر (ص) برای انسان‌ها آورده شده است، همگی براساس مقیاس عقلی قابل حل و بحث است و جز کسی که از عقل بریده و به جهل پیوسته است، آن‌ها را رد و انکار نمی‌کند.^۱ (علی‌رضا/رفیعی، ۱۳۸۴، ۱۳۱)

عقل از نظر ابن‌سینا، مانند جزئی از همین جهان است که به طور عقلانی طرح‌ریزی شده است، بنابراین او از تعلیم و تربیتی دفاع می‌کند که عقل را طوری پرورش دهد که نظام جهان و عقل کلی که آن را طراحی کرده است بفهمد. پس، چنین تعلیم و تربیتی نمی‌تواند به قصد سود مادی باشد، بلکه به خاطر منفعت روحی و لذت عقلی است. اما در راستای چنین تعلیم و تربیتی، هم خود فرد بهره‌ور می‌شود و هم جامعه، زیرا از وجود چنین فردی برخوردار است و یا توانسته است چنین فردی را در خود پرورش دهد. (زیباکلام، ۱۳۸۴، ۷۲)

نظام تربیتی ابن‌سینا براساس گردآوری اطلاعات نیست و بیشتر تعلیم اندیشه‌ورزی مبتنی بر دانش موردنظر است. در واقع، عقل حقیقت را در مورد هر مسأله‌ای، به تدریج به وسیله آموزش و مطالعه عمیق و جدی کسب می‌کند. (همان، ۷۳)

پس می‌توان دریافت که تعلیم و تربیتی که ابن‌سینا در نظر می‌گیرد، زیر چتر دین و با تاکید بر اندیشه‌ورزی و تعقل در امور است و به این دلیل است که از دیدگاه بسیاری از محققان، این فیلسوف دارای یک رویکرد عقلانی نسبت به تعلیم و تربیت است.

۱. لازم به ذکر است که عقل‌گرایان تربیتی خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: برهانیان و عرفانیان. برهانیان اهل منطق، ریاضیات، طبیعیات، الهیات و متافیزیک هستند مانند ابن‌سینا.

تعریف تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن‌سینا

در آثار ابن‌سینا، تعریفی برای تعلیم و تربیت به چشم نمی‌خورد. البته این نکته، نقطه ضعفی برای ابن‌فلسوف به حساب نمی‌آید، زیرا فیلسوفان معاصر تعلیم و تربیت همچون پیترز^۱ نیز برای تعلیم و تربیت، تعریفی جامع ارائه نداده‌اند. از دیدگاه پیترز اگر بگوییم تعلیم و تربیت یعنی A، آن‌گاه باید اعتراف کرد که ماهیت انسان، ذهن او، فکر او و نیاز او شناخته شده است، در حالی که می‌دانیم که هیچ چیز این‌ها را اکتفا نمی‌کند و این در حالی است که تاریخ مکتوب فلسفه تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که از هزاران سال قبل تاکنون، اندیشمندان درصدد کشف و صورت بندی کاملی از طبیعت انسان بوده‌اند، ولی تا امروز به یک رای واحد نرسیده‌اند. [رجوع شود به: (زیباکلام، ۶، ۱۳۸۴)] با این وجود در برخی از منابع، با توجه به آرای ابن‌سینا در آثار گوناگون وی، تعاریفی برای تعلیم و تربیت نتیجه‌گیری شده است. برای مثال، ماهیت تعلیم و تربیت عبارت است از: برنامه‌ریزی، فعالیت جامعه و فرد، در جهت سلامت خانواده، رشد کودک و تدبیر شئون اجتماعی، برای وصول انسان به سعادت در دنیا و پس از مرگ. رجوع شود به: (اعرافی و دیگران، ۲۸۲، ۱۳۷۷)]

در مورد جایگاه آرای ابن‌سینا در باب تعلیم و تربیت نیز همان‌طور که قبلاً اشاره شد، براساس دیدگاه بسیاری از محققان، وی نخستین فیلسوف اسلامی بوده است که به طور جدی در باب تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است.

مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن‌سینا

۱. مبانی دینی - فلسفی: به‌طور مسلم می‌توان ابن‌سینا را یک فیلسوف مسلمان قلمداد کرد و از نظر استادی در زمینه‌هایی که مهارت داشته است و از طرفی، از نظر آرای تربیتی وی، می‌توان او را یک مربی مسلمان به حساب آورد. همان‌طور که در فصل قبل هم ذکر شده، ابن‌سینا تلاش کرده است که بین فلسفه و دین همسویی ایجاد

کند و همین صبغه دینی - فلسفی او بر تمامی عناصر نظام تربیتی وی تسلط دارد و آن‌ها را هدایت می‌کند.

۲. مبنای اجتماعی: همان طور که در فصل قبل ذکر شد، ابن سینا ابتدای امر تعلیم و تربیت را انتخاب همسر می‌داند و انتخاب همسر نیز آغاز پیدایش نخستین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی است. پس بدین ترتیب می‌توان گفت که در آرای وی، نه تنها به جایگاه فردی بلکه به نقش اجتماعی افراد در جامعه نیز پرداخته شده است. برای مثال، وی بر آموزش جمعی و حرفه آموزی و انتخاب شغل در جامعه تاکید دارد.

۳- مبنای روان شناختی: ابن سینا در آرای تربیتی خود، همواره به تفاوت‌های فردی افراد در زمینه‌های استعداد، علاقه، قوای عقلانی و ... توجه داشته است و بنابراین همین تنوع و گوناگونی در زمینه‌های یادشده می‌تواند زمینه‌های یادگیری و آموزشی متفاوتی نیز ایجاد کند که خود بیانگر مبانی روان‌شناختی برای تعلیم و تربیت است.

اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا

الف) اصل ایجاد شرایط مناسب. از آن جایی که ریشه برخی از افکار و نیت‌ها و رفتارهای آدمی را باید در شرایطی که او زندگی می‌کند جست و جو کرد، پس می‌توان این اصل را بر مبنای تاثیرپذیری انسان از شرایط گوناگون، شامل مکان و زمان و اجتماع ارایه داد (باقری، ۱۳۸۵، ۱۳۶) ابن سینا در آرای خود، به انتخاب همسر مناسب، بهداشت دوران باروری و شیردهی، نام نیک نهادن بر کودک و از این قبیل اشاره کرده است که همگی در جهت ایجاد شرایط مناسب برای پرورش کودک است.

ب) اصل تفاوت‌های فردی. نکته جالبی که ابن سینا در آموزش فنون، مراعات آن را لازم می‌داند، در نظر گرفتن اختلافات فردی در کودکان است. وی می‌گوید: "استادی که می‌خواهد صنعت بیاموزد، باید بداند که نمی‌تواند به هر شاگردی، هر صنعتی را تعلیم دهد، بلکه هر کدام از شاگردان ذوق و شایستگی آموختن و فراگرفتن صنعت مخصوص را دارند. یا به هرکس مناسب ذوق و استعداد وی صنعت آموخت و گرنه تعلیم و تربیت نتیجه مطلوب نمی‌دهد." (ابن سینا، تدبیر منزل، ۴۷) ابن سینا حکمت این

اختلافات را در اختیار خداوند می‌داند و پس از آن، جهت رعایت این تفاوت‌ها، به معلم توصیه می‌کند که به سنجش هوش و استعداد شاگردان بپردازد. در جایی دیگر می‌گوید: بنابراین، استاد پیش از شروع به تعلیم باید طبع و قریحه شاگرد خود را بسنجد و هوش او را بیازماید و سپس مناسب ذوق و استعدادش برای وی هنرها و صنایع انتخاب کند. پس از آن که یکی از هنرها و صنایع را برای شاگرد برگزید، از اندازه میل و رغبت شاگردش نسبت به آن اطلاع حاصل کند و نیز بداند که آیا در آن رشته سابقه دانشی دارد یا به کلی بی‌اطلاع است و آیا افزار و آلات کارش با او سازگار است یا نه. آن گاه عزم خود را برای تعلیم جزم کند و بدین ترتیب از تضييع وقت شاگرد دورتر باشد (ابن سینا، تدبیر منزل، ۴۸).

امروزه نیز در تعلیم و تربیت، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی از لحاظ استعداد و علاقه شاگردان در آموزش بسیار اهمیت دارد، به طوری که متخصصان تعلیم و تربیت تلاش کرده‌اند تا آزمون‌ها و تکنیک‌های گوناگون را برای یافتن این گونه تفاوت‌ها طراحی کنند، هرچند که ابن سینا از بیان علل و اسباب این علاقه‌ها، گزینش‌ها در شاگردان اظهار ناتوانی می‌کند و معتقد است که این امور از دایره فهم آدمی خارج است و تنها خداوند از رمز و راز آن آگاه است. امروزه نیز باید اذعان نمود که شناخت کامل نسبت به استعدادها و علایق کودکان و تفاوت‌های فردی آن‌ها، امری دشوار و حتی غیر ممکن است.

ج) اصل خودشناسی و خودسازی: نزدیک‌ترین و مهم‌ترین امر برای انسان، نفس اوست. انسان پیش از تدبیر و تربیت دیگران، باید در پی تربیت خویشتن باشد و برای این امر لازم است خود را بشناسد.^۱ از این رو خودشناسی و آگاهی بر او صاف و قوای نفس و زوایای روح خویشتن، از اصول بنیادینی است که ابن سینا به آن عنایتی ویژه دارد. (عرافی و دیگران، ۱۳۷۷، ۲۸۳)

۱- شعار "خود را بشناس" و یا "خودشناسی مقدمه خداشناسی"، همواره در معارف دینی ما مطرح بوده است.

بنابراین، نخستین گام در تربیت، تربیت نفس باید باشد و کلید آن، شناخت خویشتن است. فرد باید صفت ها و عادت های ناپسند خود را به طور کامل بشناسد و بر تمامی عیوب نفس احاطه کامل پیدا کند، زیرا اگر عیبی بروی مخفی بماند، همچون دملی پنهان در زیر پوست، پس از مدتی سرباز می‌کند و بر بیننده آشکار می‌گردد. (ابن سینا، تدبیر منزل، ۱۵)

از سویی، انسان به طور طبیعی نسبت به عیوب نفس خویش مسامحه می‌کند و هوا و هوس مانع می‌شود که او به خوبی از اخلاق و رفتار ناپسند خویش آگاه گردد. از این رو، ابن سینا توصیه می‌کند که فرد در این مورد از دوستی دانا و مهربان یاری جوید، دوستی که همچون آینه نیکویی‌ها و زشتی‌های او را بنمایاند.^۱ (همان، ۱۶)

د) اصل آموزش گروهی: ابن سینا بر آموزش دسته جمعی تاکید می‌کند و معتقد است که کودک باید با همسالان خود به صورت گروهی به کسب دانش و حرفه بپردازد.

وی در این باره می‌گوید: "شایسته است به همراه کودک در مدرسه، کودکان دیگری از فرزندان بزرگان، با آداب نیکو و عادت های پسندیده وجود داشته باشند، زیرا کودک از کودک فرامی‌گیرد." (همان، ۳۸) ابن سینا معتقد است که رعایت این اصل تربیتی، آثار سودمندی را به دنبال می‌آورد که به شرح زیر است:

۱. آموزش دسته جمعی باعث می‌شود که کودک از اخلاق و رفتار پسندیده همسالان خود پیروی کند و به صفت ها و عادت های نیکو آراسته گردد. ابن سینا در این مورد می‌نویسد که اثر آموزش گروهی، تهذیب اخلاق کودکان و برانگیختن همت آن ها و تمرین عادت های نیک است.
۲. از سویی، از نوشته‌های ابن سینا می‌توان دریافت که آموزش گروهی و ارتباط کودک با همسالان خود در مدرسه و رفاقت آن ها با هم، به وی آداب معاشرت و ارتباط با دیگران را می‌آموزد و فرآیند اجتماعی شدن او را تسهیل می‌کند.

۲- در این جا می‌توان به ادبیات و داستان های پر رمز و راز فارسی که در میراث فرهنگی‌ها وجود دارد اشاره کرد که هر کدام منبعی غنی از نکات جهت خودشناسی و تربیت نفس است.

۳. هنگامی که کودکان با یکدیگر سخن می‌گویند و از دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها و حوادث جذاب و عجیبی که برای آن‌ها رخ داده با یکدیگر گفتگو می‌کنند، این خود به پرورش عقلانی و شکوفایی ذهنی کودک کمک می‌کند. همچنین این امر موجب برانگیختن حس تعجب در ایشان می‌گردد و موجب می‌شود که کودک آن گفته را به خاطر بسپارد و برای دیگران بازگو کند. (همان، ۳۹) در ضمن، ابن‌سینا مسأله رقابت، غبطه و مباهات را میان کودکان مورد توجه قرار داده است که موجب می‌شود کودکان به یادگیری بیشتر ترغیب شوند.

۴. از سویی، ابن‌سینا به این نکته اشاره دارد که آموزش گروهی، با همراه داشتن بازی، دوستی و سخن گفتن با همسالان، نشاط را برای کودک به ارمغان می‌آورد. وی با توصیه آموزش گروهی، در پی آن است که این نیازهای روانی کودک را برآورده سازد و معتقد است که کناره‌گیری کودک و تعالیم انفرادی، به این نیازها پاسخ نمی‌دهد.

۵) **اصل تنظیم برنامه‌ی آموزشی براساس مراحل زندگی:** ابن‌سینا در زمینه تربیت کودک، به مراحل رشد وی توجه کرده است و برای هر کدام از مراحل، برنامه‌ای ویژه در نظر گرفته است. بدین ترتیب می‌توان براساس آرای او، این اصل را ارایه داد که برنامه‌ریزی آموزشی و تربیتی باید براساس مراحل رشد صورت گیرد. برای مثال، همان‌گونه که ذکر خواهد شد، برنامه‌هایی که برای دوره نوزادی در نظر گرفته است با دوران کودکی متفاوت است زیرا مراحل رشد فرد با هم تفاوت دارد.

اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن‌سینا

از دیدگاه ابن‌سینا، سعادت بالاترین چیزی است که انسان به دنبال کسب آن است و هدایت به راه سعادت نیز بالاترین هدایت‌ها است و از سویی سعادت واقعی، قرب الهی است.

پس بدین ترتیب، می‌توان قرب الهی را هدف نهایی در تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن‌سینا تلقی کرد، زیرا بالاترین هدایت‌ها به سوی قرب الهی که سعادت واقعی است منجر می‌شود.

از سویی دیگر، با توجه به ابعادی دیگر که در متون ابن سینا به چشم می خورد، می توان در زیر چتر هدف نهایی قرب الهی، به اهدافی دیگر نیز اشاره کرد که در این جا به تحلیل آن ها می پردازیم:

الف) اهداف جسمانی: ابن سینا برای پرورش بعد جسمانی انسان، همچون بعد روحی اهمیت خاصی قایل شده است. این هدف را نیز می توان اهداف فرعی برخاسته از دیدگاه ابن سینا نسبت به بهداشت دانست. از دیدگاه او، سلامتی سرشت، حالتی است که در آن اعمال بدن به درستی صورت می گیرد. (قانون، کتاب اول، ۷) او علم طب را به دو دسته علم بهداشت و علم درمان طبقه بندی کرده است:

(۱) دستور حفظ سلامتی: یعنی آن که چگونه سلامتی بدن را نگه داریم و نگذاریم خللی در آن ایجاد شود (علم بهداشت).

(۲) دستور چاره سازی، یعنی این که چگونه ناسالم را بهبودی بخشیم (علم طب). از دیدگاه او، هدف اساسی رعایت بهداشت آن است که بیشترین کوشش را تا حد امکان در نگهداری اعتدال عوامل در صحت و سلامتی بدن به عمل آوریم. (حاتمی و حیدری، ۱۳۸۵، ۱۱)

از سویی باید دانست که دستورات بهداشتی کاری نیست که بدن را در برابر مرگ بیمه کند و یا آن را از گزند بیرونی رهایی دهد و یا طول عمر را چنان تامین کند که آدمی آرزو دارد، بلکه بهداشت برای آن است که تن انسان را تا مرز مرگ طبیعی برساند و هنجارهای زندگی را نگهداری کند. (قانون، کتاب اول، ۵۶۴)

براساس متون ابن سینا، می توان علم بهداشت را به موارد زیر تقسیم نمود:

(۱) بهداشت محیط شامل بهداشت آب، هوا، غذا، مسکن؛

(۲) بهداشت ورزش؛

(۳) بهداشت مادر و کودک؛

(۴) بهداشت سالمندان؛

(۵) بهداشت فردی شامل بهداشت چشم، گوش، دهان و دندان؛

(۶) بهداشت مسافران.

با آن که هر کدام از تقسیمات ذکر شده، از اهمیت وافری برخوردار است، ما به توصیف اهمیت بهداشتی ورزش و بهداشت مادر و کودک از دیدگاه ابن‌سینا می‌پردازیم، زیرا بین این موارد و مباحث تعلیم و تربیت نزدیکی بیشتری وجود دارد:

الف. ۱) اهمیت بهداشتی ورزش

از دیدگاه ابن‌سینا، ورزش حرکتی است تابع اراده. اگر ورزش به شیوه صحیح و متناسب با اعتدال مزاج و در وقت و هنگام مناسب صورت گیرد، می‌تواند صحت و سلامتی بدنی را به همراه آورد. البته این بهره‌برداری از ورزش هنگامی میسر است که دستورات دیگر بهداشتی مراعات شود. در این صورت، ورزش موجب می‌شود که عوامل بیماری‌زا از بدن دفع شود و بدن ما از استعمال دارویی نیاز گردد. در ضمن، ورزش موجب دفع مواد زائد از بدن می‌شود و نمی‌گذارد که آن‌ها در بدن جمع شوند و در این صورت، اندام‌ها بر اثر ورزش برای پذیرش غذا آمادگی بیشتری پیدا می‌کنند. بر اثر ورزش، مفاصل بدن سخت و نیرومند می‌شود. (قانون، کتاب اول، ۵۹۷ - ۵۹۵) پس بدین ترتیب، ابن‌سینا تربیت بدنی را با در نظر گرفتن حفظ اعتدال و صحت و سلامتی بدن در نظر می‌گیرد و به نظر می‌رسد که شیوه افراطی در ورزش که موجب آسیب بدنی می‌شود، مورد نظر او نیست. از سویی، به نظر می‌رسد که جامعه سالمی که ابن‌سینا از آن با عنوان مدینه فاضله یاد کرده است، نیاز به افرادی دارد که از لحاظ بدنی در صحت و سلامتی قرار داشته باشند و بدنی ورزیده سالم داشته باشند تا بتوانند آن جامعه سالم را بنیان نهند.

الف. ۲) بهداشت مادر و کودک

بهداشت مادر و کودک عبارت است از مراقبت‌های بهداشتی پیش‌رونده، پیش‌گیری، بازتوانی برای مادران و کودکان و اهداف ویژه آن عبارت است از:

۱. کاستن از ابتلا به بیماری‌ها و مرگ و میر در دوران بارداری، زایمان، شیرخوارگی و کودکی؛

۲. زیاد شدن بارداری سالم؛

۳. پیشرفت تکامل جسمی و روان شناختی کودکان و نوجوانان در خانواده.

ابن سینا آسیب پذیری‌ها، نیازهای تغذیه‌ای، مسایل عاطفی دوران بارداری را مورد توجه قرار داده و به مراقبت‌های ویژه این دوران تاکید بسیار نموده است. برای مثال، ورزشی در حد اعتدال همچون پیاده‌روی آرام را توصیه می‌کند. سفارش می‌کند که زنان باردار از خشمناک شدن و اندوهگین شدن پرهیزند، زیرا این موارد سلامتی جنین را به خطر می‌اندازد. از حرکات بسیار شدید و یا از معرض سرما قرار گرفتن پرهیزند. در ضمن، دستورات غذایی وی برای زنان باردار چنان است که آن‌ها همواره دارای مزاجی متعادل و سالم باشند.

او در مورد مراقبت‌های بعد از زایمان، جهت پیش‌گیری از آسیب‌های مادر و کودک سخن می‌گوید. به عنوان مثال، به تغذیه و پوشش مناسب مادر در این دوره اشاره می‌کند. (قانون، کتاب سوم، ۵۳۱۸) در مورد نوزاد نیز بر شستشوی او به وسیله آب با حرارت مناسب تاکید می‌کند.

برای مثال، آب شستشوی نوزاد در تابستان باید ولرم باشد و در زمستان باید تاحدی گرم باشد.^۱ (قانون، کتاب اول، ۵۷۲) از سویی دیگر، ابن سینا توصیه‌هایی برای تغذیه نوزاد دارد. او شیر مادر را برای نوزاد بهتر از هر شیردیگری می‌داند، زیرا این غذا بیش از هر غذای دیگری به غذای دوره جنینی در رحم مادر شباهت دارد. به نظر او، در مواقعی که مادر توان شیردهی را ندارد، باید برای تغذیه نوزاد، دایه‌ای را برگزید. سن دایه بین بیست و پنج تا سی و پنج سال بسیار مناسب است. دایه باید خوش‌اخلاق و خوش‌خو باشد و در برابر خشم، اندوه، ترس و حالات مشابه آن زود واکنش نشان

۱. در کتاب سیاست ارسطو آمده است که برای افزایش استقامت بدن نوزاد باید او را در آب سرد شستشو داد، حال آن که در طب جدید ثابت شده است که به دلیل آن که سیستم تعادل حرارتی بدن نوزاد هنوز تنظیم نیست، باید در تنظیم حرارت محیط و آب شستشوی او دقت کرد که در این جا می‌بینیم که ابن سینا به این نکته دقت نظر داشته است.

ندهد، زیرا تاثیرپذیری از این حالات مزاج را تباه می‌کند (تاثیر حالات روحی بر جسم)^۱ و تباهی مزاج ممکن است به شیرخوار سرایت کند. از این روست که پیامبر (ص) فرمود: دیوانه را دایگی نشاید. در ضمن، ابن‌سینا به غذاهایی که برای زن شیرده و دایه مناسب است اشاره داشته است. از شیر گرفتن کودک باید به‌طور تدریجی صورت گیرد و مواد غذایی مناسب جایگزین گردد. او به دو نکته جهت اعتدال مزاج و پرورش صحیح و سالم نوزاد اشاره می‌کند: یکی جنبانیدن نوزاد به آهستگی و ملایمت و دیگری موسیقی و آوازی است که به‌طور عادت برای خوابانیدن نوزاد می‌خوانند. نوزاد به هر نسبتی که برای جنبانیدن و گوش دادن به موسیقی آمادگی بیشتری پیدا کند، تن و روانش برای ورزش‌های بدنی و روانی، آمادگی بیشتری می‌یابد.^۲ در آثار ابن‌سینا، به‌طور مستقیم در مورد آموزش موسیقی در مراحل بعدی رشد، نظری وجود ندارد، ولی در این تحقیق، در مورد دیدگاه او نسبت به موسیقی تلاش شده است که دلالت‌هایی استنباط شود. (در هدف هنری) از سویی، جهت برقراری سلامتی روان کودک، ابن‌سینا توصیه می‌کند که باید با کودک اخلاق و رفتار پسندیده و معتدل داشت. برای این منظور نباید کاری کرد که کودک به خشم زیاد، ترس زیاد، اندوه و شب بیداری زیاد برخورد کند و یا دچار شود. او بر قرار دادن بازی و استحمام در برنامه روزانه کودک تاکید بسیار دارد. (قانون، کتاب اول، ۵۹۳)

ب) هدف عقلانی

همان‌گونه که در ابتدای این بحث اشاره شد، از دیدگاه ابن‌سینا، اصلی‌ترین راه برای درک تعالیم دینی، توجیه عقل‌گرایانه و یا در خور عقل بشر است. عیسی صدیق می‌گوید: "بوعلی سینا انواع مختلف تعلیم و تربیت را توصیف می‌کند اما مهم‌ترین آن‌ها تربیت عقلی است که عبارت است از پرورش ذهن". از دیدگاه

۱. این نکته یادآور محبت‌ها رمونیک (موسیقی و ژیمناستیک) در برنامه درسی افلاطون است.

۲. رجوع شود به: گزارش نهایی طرح پژوهشی (بررسی دیدگاه فلسفی تربیتی ابن‌سینا)؛ واحد اجرا: دانشکده

روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران؛ تدوین: دکتر فاطمه زیبا کلام مفرد و سمیرا حیدری.

ابن سینا، جهان به طور عقلانی طراحی شده است و عقل‌ها می‌تواند این طرح عقلی را درک کنند. عقل از نظر ابن سینا مانند جزیی همین جهان است که به‌طور عقلانی طراحی شده است.

پس او، از تعلیم و تربیتی دفاع می‌کند که عقل را پرورش دهد، طوری که عقل بتواند نظم جهان و عقل کلی که آن را طراحی کرده است بفهمد. پس چنین تعلیم و تربیتی نمی‌تواند به مقصد سود مادی باشد، بلکه جهت منفعت روحی و لذت عقلی صورت می‌گیرد. در راستای چنین تعلیم و تربیتی، هم خود بهره‌ور می‌شود و هم جامعه. او عادت به اندیشه‌ورزی را مهمترین هدف در کسب معرفت تلقی می‌کند. عادت به تفکر، هر چند استفاده‌آنی ندارد، ولی باعث رشد علمی و روحیه لذت بردن از دانش می‌شود. (زیباکلام، ۱۳۸۴، ۷۲) در واقع، فراگیران در یادگیری، به لذت ذهنی دست می‌یابند و به دنبال منزلت اجتماعی و کسب درآمد نیستند هرچند که ممکن است چنین آموزشی برای آن‌ها بهره مادی نیز به دنبال داشته باشد.

نکته مهم آن است که نظام تربیتی ابن سینا را نیروی عقل رهبری می‌کند و هدف از تعلیم و تربیت گردآوری اطلاعات نیست، بلکه هدف همان اندیشه‌ورزی است که براساس دانش عمل می‌کند. عقل حقیقت را راجع به هر مساله‌ای، به تدریج توسط آموزش و مطالعه عمیق و جدی کسب می‌کند. پس مهم ترین هدف عقلانی، از دیدگاه ابن سینا اندیشیدن در ذات امور است.

گودمن نیز در کتابی به نام "ابن سینا" می‌نویسد: "زمانی که قضاوت ما نه تنها کلی بلکه ضروری است، ما به نوعی از ادراک دست می‌یابیم که به ما تبیین و پیشگویی علمی را می‌آموزد، نه فقط گردآوری اطلاعات". (گودمن، ۱۹۹۲، ۱۳۶)

از دیدگاه پروفیسور ماجد فخری، روند یادگیری اسلامی به این گونه جمع‌بندی می‌شود: "فرآیند شناخت در انسان دارای رشد تدریجی یا صعود از پایین ترین وضع بالقوگی به بالاترین درجه فعلیت یا درک معقولاتی است که در عقل فعال ذخیره شده‌اند." (فخری، ۱۹۹۷، ۱۳۹)

ابن‌سینا این رشد را اتصال به عقل فعال می‌داند. از دیدگاه وی، عالی‌ترین مرحله رشد انسانی، به وسیله عقل فعال قابل دستیابی است. البته با توجه به آن که دانش‌آموزان از استعداد یکسانی برخوردار نیستند، رسیدن به چنین مرحله‌ای هم برای همه آن‌ها به طور یکسان قابل دستیابی نیست و در این جاست که ابن‌سینا به اهمیت توجه به تفاوت‌های فردی میان دانش‌آموزان در امر آموزش تاکید می‌کند. [رجوع شود به: زیباکلام مفرد، ۱۹۹۹، ۶۸]

پس اهداف عقلانی از دیدگاه ابن‌سینا را می‌توان به ترتیب زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. پرورش قوه تعقل مربیان جهت شناخت نظم جهان و عقل کلی که جهان را طراحی کرده است؛
۲. ایجاد عادت به اندیشه‌ورزی در ذات امور جهان در مربیان؛
۳. اعتلای روحیه لذت بردن از کسب دانش و اندیشه‌ورزی؛
۴. ایجاد عادت به مطالعه جدی و عمیق به صورت تدریجی (و نه تنها جمع‌آوری - اطلاعات)، جهت زمینه‌سازی برای شناخت عقلانی؛
۵. پرورش عقل فعال، به عنوان عالی‌ترین مرحله‌ی رشد انسانی، ولی با توجه به استعداد و توانایی‌های افراد برای رسیدن به آن.

ج) هدف اخلاقی

به نظر می‌رسد که مبتنی بر دیدگاه ابن‌سینا نسبت به اخلاق، می‌توان هدف اخلاقی را در عرصه تعلیم و تربیت ترسیم کرد. نکته‌ای که در دیدگاه او قابل تاکید است، اکتسابی بودن اخلاق پسندیده و یا ناپسند در انسان است، یعنی امر یادگیری در به وجود آمدن هرگونه اخلاق در نفس انسان دخیل است و این جاست که اهمیت نهاد تعلیم و تربیت در بحث تربیت اخلاق جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. همان‌طور که در قبل ذکر شد، ابن‌سینا، عادت را در پیدایش خلق در نفس سهیم می‌داند. پس می‌توان گفت که مربی باید زمینه‌ای را فراهم آورد تا مربی با تکرار زیاد فعل اخلاقی در مدت طولانی، اخلاق پسندیده را در افراط و تفریط در یک فعل اخلاقی نیست، بلکه آن فعل

معتدل باید به صورت ملکه در مربی درآید. پس یکی از اهداف اخلاقی به قرار زیر خواهد بود:

۱. پرورش فضایل و افعال اخلاقی معتدل در مربی، طوری که در او ملکه شوند. از سویی دیگر، به دلیل آن که ادراک عقلی بالاترین ادراکات در انسان به حساب می آید و انسان به واسطه این ادراک می تواند به لذت های عقلی که قوی تر و خالص ترند پی ببرد. پس می توان هدف دیگری را در مبحث اهداف اخلاقی مطرح نمود که به قرار زیر است:

۲. پرورش درک لذت های عقلی، به واسطه بالا بردن ادراک عقلی. از طرفی دیگر، از آن جا که ابن سینا، سعادت را بالاترین غایت در زندگی انسان قلمداد می کند و سعادت واقعی را قرب به حق می داند که مطلوب های دیگر در برابر آن ناچیز هستند و این سعادت نیز با به کمال رسیدن قوه عقل نظری و عملی قابل دستیابی است، پس هدف دیگری در عرصه اهداف اخلاقی می توان مطرح کرد که عبارت است از:

۳. نایل نمودن مربیان به سعادت واقعی به واسطه پرورش قوه عقل نظری و عقل عملی.

از سویی دیگر، چون لذت های عقلی دارای مراتبی است و برای رسیدن به آن مراحل طی می شود، پس هدف دیگری را در این وادی می توان مطرح کرد:

۴. پرورش درک لذت های عقلی در مربیان به صورت مرتبتی و مرحله ای.

(د) هدف هنری

با توجه به متون ابن سینا در باب هنر می توان به موسیقی و ادبیات عرفانی اشاره کرد که مورد توجه او بوده است. در مورد موسیقی، ابن سینا ابتدا به نقش اعداد در موسیقی و سپس به ویژگی های صوت در بین محسوسات اشاره می کند. او موسیقی را شاخه ای از دانش ریاضی معرفی می کند و شامل دو بخش می داند: یکی تالیف که موضوعش

نغمه‌ها و ترکیب‌پذیری آن‌هاست و دیگری کشش زمانی یا وزن موسیقایی است. چنین بخش‌هایی می‌تواند موجب لذت یا بر اثر افراط موجب کراهت شود.

در زمینه توجه ابن‌سینا به عرفان و راه و طریق صوفیانه و ارتباط او با این مسلک، از دیرباز میان صاحب نظران اختلاف نظر بوده است. برخی از بزرگان عرفاء او را نمونه کامل عقل‌گرایی به شمار می‌آورند و اعتقاد او را به کفایت و اعتبار برهان‌های عقلی در شناخت حقایق هستی، مورد ملامت قرار داده‌اند. ولی از سوی دیگر، شواهدی در دست است حاکی از این که برخی از اهل سلوک و معرفت از همان روز کار به دیده ارادت و قبول در احوال او می‌نگریسته‌اند و او خود نیز نسبت به این طایفه اعتقاد و توجه خاص داشته است.^۱ البته باید گفت که برخی ابن‌سینا شناسان معاصر همچون خانم گواشون، همین گونه تفاوتی بین گرایش‌های عرفانی و دیدگاه فلسفی ابن‌سینا نمی‌بینند و وی تلاش کرده است که این دو دیدگاه ابن‌سینا را با هم تطبیق دهد. (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۰، ۴۲) قابل ذکر است که از دیدگاه ابن‌سینا میان عقل و علم و عرفان هیچ گونه تباین و تفاوت ذاتی وجود ندارد، بلکه هر سه کیفیت‌های مختلف نفس و درجات و مراتب یک حقیقتند. مقام عقل مقامی است که در آن تمامی قوا و استعداد‌های نفس فعلیت و تحقق یافته و نفس خود عالمی عقلانی شده است که صورت عالم هستی در کلیت و جامعیت آن در او منعکس می‌گردد و با اتصال به عوالم روحانی به مشاهده خیر و جمال محض و به اشراق و شهود معارف و حقایق الهی رسیده است. (شفا - الیهیات ۴۲۵ و النجاه، ۶۸۶) در داستان "تمثیلی حی بن یقظان" و "سلامان و ابسال"، ابن‌سینا به بیان گرفتاری روح در عوالم جسمانی، تنبه و روی آوردن او به سوی رستگاری، مجاهدت و سیر استکمالی و سرانجام، خلاص نهایی در حصول معرفت و وصول به مقصد غایی می‌پردازد. در "رساله الطیر" نیز داستانی از این نوع که تعلق نفس به بدن، طریقه‌رهایی آن از قفس قالب عنصری و چگونگی پیوستن آن به اصل علوی و منزلگاه اصلی را باز می‌گوید. ابن‌سینا قصیده‌ای به نام "العینیه" نیز

۱. در برخی از کتب، از دیدار ابن‌سینا با خرقانی که از عارفان آن زمان بوده است سخن رفته است و یا برخی به مکاتبات بین ابوسعید ابوالخیر و ابن‌سینا اشاره داشته‌اند.

در این مورد دارد. این قصیده با ابیاتی پایان می پذیرد که گویی او در مساله هبوط نفس و علت و غایت آن دچار نوعی حیرت شده است.

از آن جایی که ابن سینا، به وجود "قوه متخلیه" در انسان اشاره داشته است و این قوه را نیز دارای قابلیت کسب معرفت می داند پس به نظر می رسد که با توجهی که وی به موسیقی و ادبیات عرفانی در آثار خود داشته است، تلاش کرده است که بر پرورش نیروی تخیل انسان از طریق هنر تاکید کند.

اهداف هنری تعلیم و تربیت را با توجه به مراتب فوق می توان چنین استنباط کرد:

۱. ایجاد زمینه های شناخت هنری (جنبه نظری موسیقی)، کاربرد هنر (موسیقی عملی) و لذت آن در شاگردان؛

۲. ایجاد نظم و هماهنگی روانی در شاگردان، به وسیله موسیقی و شعر؛

۳. پرورش قوه متخلیه شاگردان از طریق موسیقی و شعر به عنوان یکی از منابع کسب معرفت؛

۴. پرورش خودشناسی و عرفان در قالب مضمون های زیبای ادبیات و شعر عرفانی در شاگردان

در این جا ذکر این نکته لازم است که ما به شعر و ادبیات در نظام آموزشی بها نمی دهیم، آن گونه که در سنت اسلامی مهم بوده است. در دوره دبیرستان، دانش آموزان با هوش و ممتاز به سمت رشته های مهندسی و سپس عزیمت به دانشگاه های غرب سوق داده می شوند و این یک افتخار محسوب می شود، در حالی که به گنجینه هنر و ادبیات بومی و جذب دانش آموزان با هوش به آن ها عنایتی نمی شود. علاوه بر این، از معلمان قوی در این حوزه ها استفاده نمی شود. با بها دادن به گنجینه های هنر و ادبیات بومی و اصیل ایرانی می توان به اهداف عرفانی در تعلیم و تربیت نیز دست یافت:

ه) اهداف اجتماعی

براساس تبیین مدینه فاضله از دیدگاه ابن سینا^۱، می توان اهداف زیر را استنباط نمود:

۱. رجوع شود به: گزارش نهایی طرح پژوهشی (بررسی دیدگاه فلسفی تربیتی ابن سینا)؛ واحد اجرا: دانشکده

۱. پرورش مسوولیت شاگردان نسبت به بیت المال؛
۲. تربیت شاگردان برای داشتن فعالیتی مفید در جامعه؛
۳. ایجاد نگرش در شاگردان نسبت به پیامدهای بد بی‌کاری، بطالت، دلالتی و رباخواری؛
۴. ایجاد نگرش در شاگردان نسبت به ضرورت و اهمیت نهاد خانواده؛
۵. ایجاد روابط صحیح اجتماعی در نهاد خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی.

ویژگی‌های معلم از دیدگاه ابن‌سینا

ابن‌سینا بر این باور است که هر کسی برای جایگاه معلم شایسته نیست و معلم باید دارای مشخصات زیر باشد:

- معلم باید دارای صفات نیکو و دور از بدی‌های اخلاقی باشد. او باید دارای صبر و بردباری باشد و دارای جوانمردی و باطنی پاک باشد. (تدبیر منزل، ۳۸، ۳۷) کسی که دارای صفات اخلاقی شایسته نیست، نمی‌تواند چنین اخلاقی را در معلم پرورش دهد. پس بدین ترتیب، او ابتدا از تربیت نفس سخن می‌گوید و اولین امری که انسان باید به سیاست و تدبیر آن پردازد، نفس خود اوست. پس معلم، قبل از تعلیم و تربیت دیگران باید نفس خویش را به اخلاق خوب و شایسته آراسته کند.
- مربی باید در ارتباط با دیگران نیز اخلاق نیکو پیشه کند. او باید با بزرگان نشست و برخاست کند و از چگونگی رفتار آن‌ها و رفتار سایر افراد جامعه آگاه باشد. او باید آداب غذا خوردن، سخن گفتن و معاشرت با دیگران را بداند. (همان، ۳۸)
- از سویی، معلم باید هم به تربیت نفوس آگاهی داشته باشد و هم در تعلیم دانش‌ها و حرفه‌ها به کودک مسلط باشد. معلم، باید نسبت به تفاوت‌های فردی متعلمان به‌طور کامل آگاه باشد. او باید علایق افراد را نسبت به رشته تحصیلی یا حرفه معین بسنجد. او نه تنها باید زمینه‌های استعداد و آمادگی متعلمان را تشخیص دهد، بلکه باید

شناسایی کند که متعلمان چه امکانات و لوازمی برای تحصیل دانش و حرفه دارا هستند (همان، ۴۰ - ۳۹)

به طور کلی می توان گفت که ابن سینا می خواهد که معلم خردمند و دیندار و دانا در کار تربیت اخلاقی و ماهر در آموزش کودکان، و با وقار و فروتن و دور از هر گونه سبک سری باشد و در حضور کودکان نه چندان سخت گیر و انعطاف ناپذیر باشد، بلکه خوش رفتار و هوشیار و جوانمرد و پاکیزه و منزّه باشد. (علی و رضا/ رفیعی، ۱۳۸۴، ۱۴۶)

با توجه به شاخص هایی که ابن سینا در مورد معلم مطرح نموده است، به نظر می رسد که بتوان اصول یاددهی زیر را مطرح نمود:

۱. در یاددهی باید همواره بر موازین اخلاقی ظاهری و باطنی تکیه داشت.
۲. تربیت نفس برای معلم در عرصه یاددهی ضروری است یا معلم باید در عرصه یاددهی به تربیت نفس خود نیز بپردازد.
۳. در یاددهی باید به موازین اجتماعی نیکو و پسندیده تکیه داشت.
۴. در یاددهی باید تربیت نفس و تعلیم دانش و حرفه، همراه با هم و به موازات هم پیش روند و نباید یکی را به بهای دیگری کنار گذاشت.
۵. در یاددهی باید به تفاوت های فردی، تفاوت در استعدادها و علایق توجه نمود.
۶. در یاددهی باید فراگیران را به سوی رشته تحصیلی و حرفه ای مناسب بر اساس اصل (۵) رهنمون کرد.
۷. در یاددهی باید رویکردی میانه رو بین نرمی و سخت گیری در پیش گرفت.

محتوای تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن سینا

در جوامع بشری از دیرباز تاکنون، محتوای تعلیم و تربیت به عنوان آن چه برای آموختن مربیان در نهادهای تعلیم و تربیت ارایه می شود، همواره مورد بحث و توجه بوده است. به طور کلی، در نظام های تعلیم و تربیت، اهداف به وسیله محتوای تعلیم و

تربیت تحقق پیدا می‌کنند و انتخاب محتوایی متناسب با اهداف و آرمان‌های تعلیم و تربیت، همواره مساله مهمی در تعلیم و تربیت محسوب شده است.

از دیدگاه ابن سینا، باید به کودک قرآن، اصول و واجبات دینی و زبان عربی را هنگامی که توانایی حرف زدن و درک گفتار را پیدا نمود و آماده پذیرش تلقین شد آموخته شود. در ضمن اشعاری که حاوی مطالب اخلاقی باشد، باید در برنامه درسی کودک گنجانیده شود و از آسان شروع شود. (کوشافر، ۱۳۶۹، ۶۴)

پس از اتمام چنین مقدماتی، یعنی درس قرآن و آموختن و فهم زبان عربی، برنامه تربیتی کودک متوجه شغل و حرفه آینده او خواهد بود. انتخاب او در مورد هنر یا پیشینه آینده‌اش باید مطابق ذوق و استعداد و طبیعتش باشد و در این انتخاب، هرگز نباید هوا و هوس را دخالت داد. برای مثال، اگر طفل متمایل به خدمات دولتی باشد، لازم است روش مکاتبات رسمی را یاد بگیرد و از محاوره و سخنوری و حساب بهره کامل داشته باشد. این نظر و برداشت ابن سینا، مبتنی بر تجربیات شخصی و وزارت او است. (همان، ۶۵) از دیدگاه او، جوانان با اشتغال به هنر و پیشه لازم است زندگی مستقل خود را آغاز و با کسب، به امرار معاش پردازند. لذت فرد، سختی کار را گوارا می‌سازد و شخص را به کار عادت می‌دهد و در این صورت او به جای قناعت، برای منافع بیشتر سعی و تلاش خواهد نمود. او ابراز می‌کند که فرزندان خانواده‌های متمکن نیز حرفه و صنعتی یاد بگیرند تا متکی به ثروت خانوادگی که زوال‌پذیر است نباشند.

در این جا لازم است به دیدگاه ارسطو در مورد تعلیم و تربیت حرفه‌ای اشاره کنیم. به نظر او، چنین تعلیم و تربیتی به دلیل آن که هدفی بیرون از خود را دنبال می‌کند نمی‌تواند برای آزادمردان در نظر گرفته شود و اختصاص به بردگان دارد و آموزش حرفه و صنعت در تعلیم و تربیت لیبرال از دیدگاه ارسطو جایگاهی ندارد. به نظر می‌رسد که ابن سینا محتوای مذکور را به‌طور عام برای نهاد تعلیم و تربیت معرفی کرده است و در صورت داشتن ذوق و استعداد، شاگردان می‌توانند در حرفه و پیشه‌های مختلف و رشته‌های تحصیلی دیگر تحصیل خود را ادامه دهند.

از سویی، ابن‌سینا به فراگیران دانش توصیه می‌کند که در پی "علم طبیعی" و "علم ریاضی محض و علم حساب" و "علم منطق" که در شناخت حق برای خود حق و خیر برای پذیرش و عمل به آن، یاری می‌رساند، برآیند. او آموزش علم لغت را نیز لازم می‌داند، چرا که ضرورت اقتضا می‌کند واژگان را به کار بریم، زیرا محال است که اندیشه، معانی را دریابد بی‌آن که آن‌ها در قالب الفاظ درآورد. پس اندیشه و تفکر به یاری واژگان صورت می‌گیرد. از سویی ابن‌سینا لازم می‌داند که فلسفه را پیش از علوم دیگر باید آموخت، زیرا فلسفه انسان را با حقایق امور و پدیده‌ها، آشنا می‌کند. پدیده‌ها، شامل اموری‌اند که وجودشان منوط به اختیار و فعل ماست، یا شامل مقولاتی‌اند که وجودشان منوط به اختیار و فعل ما نیست. معرفت به گروه اول را فلسفه نظری و معرفت به گروه دوم را فلسفه عملی گویند. غایت فلسفه نظری، تکامل نفس تنها از راه یادگیری و غایت فلسفه عملی تکمیل و تکامل نفس نه تنها از راه آموزش، بلکه از راه آموزش آن چه بر آن عمل می‌گردد و نیز عمل کردن به آن است. (علی و رضا/رفیعی، ۱۳۸۴، ۸۲)

به نظر می‌رسد که ابن‌سینا، علم طبیعی، علم ریاضی محض و علم حساب و علم منطق و فلسفه و علم لغت را به عنوان محتوای تعلیم و تربیت عام تجویز نمی‌کند، بلکه این علوم پس از محتوایی که به عنوان محتوای عام برای همه در نظر گرفته شد، براساس ذوق و استعداد و تفاوت‌های فردی ارایه می‌شود. در واقع می‌توان گفت که وی اصل رعایت تفاوت‌های فردی را در انتخاب محتوا مطرح نموده است. ولی یکی از فیلسوفان بزرگ گروه معتزله، به نام جاحظ، ابتدا به یک برنامه درسی عمومی اشاره دارد که بتواند به شاگردان یک نگرش جامع عطا کند و آن‌ها را از تنگ نظری و تک بعدی نگری رها کند. در زمینه برنامه درسی تخصصی نیز تاکید می‌کند که هر فرد باید در یک رشته خاص تخصص پیدا کند و رشته تخصصی باید متناسب با علاقه و استعداد افراد باشد. ولی امروزه، آن چه در بحث محتوای برنامه درسی اهمیت دارد، تفکیک دو گام انتخاب محتوا و سازماندهی آن است و به نظر می‌رسد که اصل رعایت تفاوت‌های فردی بتواند در بحث سازماندهی محتوا مطرح شود، طوری که محتوا

براساس تفاوت‌های فردی سازماندهی شود. برای مثال، پل هرست، از نظریه‌پردازان نو ارسطویی در برنامه درسی، اشکال دانش را به عنوان محتوا برای تعلیم و تربیت همگانی معرفی می‌کند، ولی رعایت تفاوت‌های فردی و در نظر گرفتن ذوق و استعداد و علاقه را در سازماندهی محتوا دخالت می‌دهد. [رجوع شود به: زیباکلام و حیدری، ۱۳۸۴، ۵۳-۵۲]

روش‌های تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن‌سینا

در روش تعلیم و تربیت، ابن‌سینا عقیده دارد که معلم باید کودک را گاهی تشویق و گاهی تهدید کند و چنانچه این عمل نتیجه نداد، از تنبیه استفاده کند.^۱ وی اعتقاد دارد که معلم به هنگام تدریس باید رویه‌ای معتدل داشته باشد، یعنی نه خود را آن‌چنان نشان دهد که کودک جرات سوال کردن نداشته باشد و نه چندان با ملایمت و آرامی رفتار کند که کودک جسور و دلیر شود و به مطالب او توجهی نشان ندهد. (وکیلان، ۱۳۸۱، ۱۸۷) ابن‌سینا در کتاب تدبیر منزل، به روش پند و نصیحت نیز اشاره داشته است. پند و نصیحت باید با خردمندی صورت گیرد و همراه با نرمی و ملایمت انجام شود. سخن گفتن به هنگام پند و اندرز باید به آرامی صورت گیرد و در خلوت‌ترین مکان چنین روشی انجام شود. در متن به ساختن مربی نیز باید تلاش شود که به عیوبش با تلویح اشاره شود، نه آن‌که به صراحت و روشنی صورت گیرد. (تدبیر منزل، ۴۳-۴۲)

ازسویی دیگر، ابن‌سینا را به عنوان یک مربی مسلمان معرفی کردیم و در این‌جا، می‌توان به روش‌هایی که او در آموزش به شاگردان خود همچون جوزجانی و بهمنیار

۱. ابن‌سینا در کتاب تدبیر منزل، "کتک زدن" را ذکر کرده است که در نخستین بار باید کم ولی دردناک باشد و در کل، تنبیه نباید طوری باشد که کودک را ترسان یا بی‌اعتنا کند. در این‌جا به نظر می‌رسد که بتوان "مبنای حقوقی" را برای تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن‌سینا مطرح نمود، ولی بحث آن تامل بیشتری را می‌طلبد.

داشته است اشاره کنیم.^۱ بسیاری از ابن سینا شناسان بر این موضوع واقفند که رابطه جوزجانی و ابن سینا، نه تنها رابطه استاد و شاگردی بوده است، بلکه جوزجانی نقش همکار را برای ابن سینا نیز ایفا می کرده است، طوری که بخشی از کارهای مطالعاتی و تحقیقی توسط ابن سینا به جوزجانی سپرده می شد. از سویی، خانواده بهمنیار که از وضع مالی برخوردار بودند، ابن سینا را به عنوان معلم خصوصی فرزند خود پذیرفتند و در این مورد، به نظر می رسد که ابن سینا از روش سخنرانی و مباحثه بهره جسته است.^۲ پس بدین ترتیب، با بررسی تاریخچه زندگی علمی این مربی بزرگ مسلمان، در می یابیم که او در آموزش، از روش های سخنرانی، مباحثه و پژوهش بهره جسته است و در همان حال می توان از این بررسی دریافت که رابطه دوستی و علاقه بین معلم و دانش آموز نیز مطرح بوده است.

جمع بندی و نتیجه گیری

همان گونه که در این مقاله اشاره شد، ابن سینا بزرگترین نماینده فلسفه مشاء در تمدن و فرهنگ اسلامی است، ولی این بدان معنا نیست که وی تنها یک مدافع و شارح ارسطو بوده است. او سرآمد افکار بدیع و تازه ای به حکمت مشاء بوده است. برای مثال، مبحث نبوت و یا از سویی مباحث و مضامین عرفانی در آثار او، نسبت به آثار فیلسوفان قبلی مکتب مشاء بی نظیر بوده است. نکته ای که در دیدگاه تربیتی ابن سینا اهمیت دارد، آن است که او تعلیم و تربیت را زیر چتر دین و با تأکید بر اندیشه ورزی

۱- چگونگی رابطه ابن سینا با شاگردانش، جوزجانی و ابوالحسن بهمنیار، براساس برنامه مستندی که در ساعت ۲۳:۳۰، تاریخ ۱۳۸۵/۱۲/۲۳ در شبکه چهارم صدا و سیما پخش گردید، در این گزارش نگاشته شده است. در این برنامه با یکی از اساتید ابن سینا شناس در دانشگاه الازهر مصر مصاحبه شد.

۲- لازم به ذکر است که جوزجانی تا پایان حیات ابن سینا در خدمت استاد به سر برد. او از خواص و یاور ابن سینا در تصنیف کتب و گردآورنده ی تالیفات استاد بعد از مرگ وی بود. از سویی، ابن سینا کتاب المباحثات خود را در پاسخ به سوالات بهمنیار نوشته است که همین اثر می تواند بیانگر شیوه مباحثه و پرسش و پاسخ در رویکرد تربیتی ابن سینا باشد.

و تعقل در امور ترسیم می‌کند پس بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که او دارای یک رویکرد عقلانی با در نظر گرفتن غایتی الهی در تعلیم و تربیت است. در این مقاله، مبانی، اصول، اهداف تعلیم و تربیت به خوانندگان ارایه شده است و به نظر می‌رسد که در مبحث اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه ابن‌سینا به صورت‌بندی‌ای نوین دست یافته شده است. برای مثال، در مبحث اهداف جسمانی در تعلیم تربیت، به بررسی و تحلیل اندیشه‌های ابن‌سینا در کتاب قانون او پرداخته شده است که در منابع قبلی، به چنین هدفی از دیدگاه ابن‌سینا پرداخته نشده است. به نظر می‌رسد که با توجه به آرای ابن‌سینا، توجه به تفاوت‌های فردی در بحث انتخاب محتوا برای مربیان می‌تواند در نظر گرفته شود. حال آن که در مقاله حاضر اشاره شده است که از دیدگاه برخی از صاحب نظران امروزی، توجه به تفاوت‌های فردی در بحث سازماندهی و شکل‌دهی به محتوا باید رعایت شود. در زمینه روش‌ها نیز در این تحقیق تلاش شده است که با توجه به زندگی‌نامه علمی ابن‌سینا و روابطی که وی به عنوان یک مربی بزرگ مسلمان با مربیان خود داشته است، روش‌هایی در تعلیم و تربیت استنباط شود. ذکر چنین روش‌های در منابع قبلی در مورد ابن‌سینا موجود نبوده است. تلاش شده است که تا حد امکان به مشکلات موجود نظام تربیت ایران پرداخته شود.

مآخذ

- اختریان، سید محمود، دیگران (۱۳۷۰). گنجینه‌های دانش. جداول، چاپ اول، تهران: نشر محله اعرافی و دیگران (۱۳۷۷). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت. جداول، چاپ اول، تهران: سمت
- الماسی، علی محمد (۱۳۸۴). تاریخ آموزش و پرورش اسلام و ایران، چاپ هفتم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- اولیری، دلیر (؟). انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی. ترجمه احمد آرام (۱۳۷۴). چاپ دوم، تهران: نشر دانشگاهی

- باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی . چاپ پانزدهم، تهران : انتشارات مدرسه دادیه، اصغر (۱۳۸۳). کلیات فلسفه. چاپ بیست و نهم، تهران : دانشگاه پیام نور
- زیباکلام مفرد، فاطمه (۱۳۸۴). مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران. چاپ سوم، تهران: نشر حفیظ
- زیباکلام مفرد، فاطمه، حیدری ، سمیرا (۱۳۸۴). مکتب فلسفی تربیتی لندن (با بررسی آرای پیترز و هرست). چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تفرش و نشر حفیظ
- زیباکلام مفرد، فاطمه (۱۳۸۴). مکتب فلسفی لیبرالیسم آموزشی و اسلام . چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تفرش
- شیروانی، علی (۱۳۷۵). مقایسه علم‌النفس ارسطو با علم‌النفس ابن‌سینا. مجله معرفت. سال چهارم ، شماره چهارم.
- صاحبی، محمدجواد (۱۳۷۵). دانش گستری در تمدن اسلامی. مجله علمی - تخصصی معرفت. سال پنجم، شماره‌ی دوم.
- علی، سعید اسماعیل، رضا، محمدجواد (۱۹۳۷). مکتب‌ها و گرایش‌های تربیتی در تمدن اسلامی. ترجمه‌ی بهروز رفیعی (۱۳۸۴). چاپ اول، قم: نشر مهر
- الفا خوری، حنا، الجرحلیل (۱۳۵۸). تاریخ فلسفه در جهان اسلامی. ترجمه عبدالمحمد آیتی. چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۵۶). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی . چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ اسلامی کوربن، هانری (۴). تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه جواد طباطبایی (۱۳۷۳). چاپ اول، تهران : انتشارات کویر
- مدکور، ابراهیم (۱۳۶۲). نهضت ترجمه در اسلام. ترجمه اسماعیل سعادت. نشر دانش. سال سوم، شماره پنجم.
- مدکور، ابراهیم (۱۹۴۷). فی‌الفلسفه الاسلامیه: منهج و تطبیقه. قاهره
- موسایی افضل، علی (۱۳۷۷). معارف اسلامی (۱). چاپ دهم، تهران: دانشگاه پیام نور
- موسوی بجنوردی، کاظم و دیگران (۱۳۷۰). دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. جلد چهارم، چاپ اول، تهران : مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی

بررسی دیدگاه ابن سینا در.../۱۱۳

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۱). برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها، چشم اندازها. چاپ اول، تهران: به نشر

وکیلان، منوچهر (۱۳۸۳). تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران چاپ سوم، تهران: دانشگاه پیام نور
یزدی، اقدس (۱۳۷۵). معرفت شهودی در ابن سینا و دکارت. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس

کتاب ابن سینا که در این تحقیق به کار رفته است:

شفا-نجات-قانون-اشارات و تنبیهات - تدبیر منزل

Goodman , L.E(1992). Avicenna. First edition , London : Routledge

Fakhry , M (1997) . The contemplative Idea in Islamic Philosophy .

Aristotle and Avicenna . JHP : 14

Zibakalam mofrad, F (1999). IBN SINA'S Philosophy of Education and Its Application to modern Moslem Education systems.

Hatami, H; Heidari , Kobra (2007). Ancestors' Medicine and Public Health.

<http://www.w3.org/TR/REC.htm>

<http://www.Hbi.Dmr.Or.Ir/hostinj/bioterrorism/libray.Htm>

Wylie , G . L (2000) . <http://www.Infed.org/thinkers/et-rous.htm>.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی